



حسن امیری

عضو هیئت مدیره و معاون
نظارت بر بورس‌ها و ناشران
سازمان بورس و اوراق بهادار

مالیات و بازار سرمایه

با تأکید بر تجدید ارزیابی دارایی‌ها و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS

در قانون جدید مالیات‌ها برای بازار پول و سرمایه جایگاه خاصی را به روشنی و وضوح نمی‌بینیم. یکی از دلایل این امر این است که در زمان تصویب و در وهله‌ی اول احساس نمی‌شد به چنین جایگاهی نیاز خاصی وجود داشته باشد. از جمله مباحث مهم در این باره بحث استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS و موارد مربوط است که آثار مالیاتی به همراه دارد. سازمان بورس در آن زمان پیشنهادهایی را ارائه کرد ولی هیچ کدام در قانون لحاظ نشد. مازاد تجدید ارزیابی از موادی است که در قانون جدید به آن اشاره شده و در دو ماه گذشته هم مطالب متنوعی درباره‌ی آن ابراز شده و گاه بعضی از شرکت‌های بازار سرمایه هم از این موضوع متأثر شده‌اند و تحت تأثیر این موضوع قیمت سهام بالا و پایین رفته است.

یکی از روش‌های مهم تأمین مالی بحث افزایش سرمایه است. افزایش سرمایه اهمیت ویژه‌ای هم برای مدیران و هم برای سهام‌داران دارد، چون وقتی افزایش سرمایه صورت می‌گیرد عملکرد سالانه‌ی شرکت و حقوق صاحبان سهام و بازدهی شرکت می‌تواند تحت تأثیر قرار بگیرد. بر اساس

ماده‌ی ۱۵۷ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، سرمایه‌ی شرکت می‌تواند از طریق صدور سرمایه‌ی جدید یا از طریق بالا رفتن مبلغ اسمی افزایش پیدا کند. در ماده‌ی ۱۵۸ به محل‌ها و منابعی اشاره شده که افزایش سرمایه می‌تواند از طریق آن‌ها صورت بگیرد. چهار منبع اصلی ذکر شده که عبارت‌اند از: آورده‌ی نقدی، تبدیل مطالبات به اوراق قرضه و سهام، تبدیل اوراق مشارکت به سهام و اوراق صکوک. اکنون این امکان وجود دارد که انتشار اوراق برای شرکت‌هایی که متقاضی‌اند از محل اوراق مشارکت یا صکوک صورت بگیرد و بعداً آن را به سهام تبدیل کنند. یکی دیگر از محل‌های افزایش سرمایه تبدیل سود انباشته است.

در مورد موضوع تجدید ارزیابی به دنبال این هستیم که ارزش عادلانه‌ی دارایی ثابت را در صورت‌های مالی نشان دهیم و این که بتوانیم ترازنامه‌ی شرکت وضعیت بهتری را از اقلام تاریخی نشان دهد تا این ارزش بتواند جایگزینی برای ارزش‌های تاریخی باشد. چه گونه می‌توان تجدید ارزیابی را به افزایش سرمایه تبدیل کرد؟ آن چه مهم است این است که در موضوع مازاد

تجدید ارزیابی استانداردهای حسابداری اجازه‌ی انجام این کار را به ما نمی‌دهد که بتوانیم از طریق این مدل سرمایه‌ی شرکت را اضافه کنیم. اما اگر قوانین و مقرراتی وجود داشته باشد از طریق آن‌ها می‌توان ظرفیت قانونی این تجدید سرمایه را به سرمایه‌ی شرکت اضافه کرد. مواد قانونی متعددی را در سه سال در قانون بودجه‌ی کل کشور داشتیم که امکان تجدید ارزیابی را به شرکت‌های مختلفی می‌داد که از این ظرفیت قانونی استفاده می‌کنند. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ این امکان وجود داشت. اما چیزی که بیش تر طی چند سال گذشته استفاده شد ماده‌ی ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت صادرات بود. شرکت‌هایی که می‌خواستند از این ظرفیت قانونی یا ظرفیت بودجه استفاده کنند می‌بایست حتماً یک طبقه‌ی دارایی را انتخاب می‌کردند و همه‌ی اقلام و اجزایی که در آن طبقه بود می‌بایست الزاماً مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گرفت. یکی از شروط آیین‌نامه‌ی اجرایی این بود که همه‌ی اقلام یک طبقه‌ی خاص می‌بایست ارزیابی می‌شد. نکته‌ی دوم این بود که این تجدید



ارزیابی می‌بایست با استفاده از کارشناس رسمی دادگستری اتفاق می‌افتاد و به عبارتی مبنای ارزش‌های منصفانه این قرار داده شده بود که از طریق یک تیم کارشناسی این فرایند اتفاق بیفتد و بتواند به یک ارزیابی صحیح منجر شود.

بر این نکته تأکید می‌کنم که اگرچه آن چهار روش می‌توانستند وجه نقد برای شرکت بیاورند یا از خروج وجه نقد جلوگیری کنند، در آن مدل هیچ کدام به این دو حالت منجر نخواهد شد. یعنی اگر تجدید ارزیابی دارایی انجام دهیم و رقم را به سرمایه‌ی شرکت اضافه کنیم، باعث ورود وجه نقد به شرکت نخواهد شد. اما می‌تواند ترازنامه‌ی شرکت را متأثر و وضعیت شرکت را دگرگون کنند.

وضعیت استفاده از این ظرفیت قانونی کشور در طی چهار سالی که از اجرای این قانون گذشت به این قرار بوده است که از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۴ در بازار سرمایه کلاً ۵۸۴ مجوز افزایش سرمایه صادر شد که ۷۹ مجوز مربوط به مجوزهای افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی بود. از لحاظ عدد و رقم کلاً ۹۴ هزار میلیارد تومان ارزش مجوزهای صادره در طی این چهار

سال بود که ۱۹ هزار میلیارد تومان آن مربوط به افزایش سرمایه بود. حدود ۱۴ درصد تعدادی و ۲۰ درصد مبلغی مجوزها به این موضوع مربوط بود. شرکت‌ها به دنبال تجدید ارزیابی رفتند تا این مبلغ را به سرمایه اضافه کنند؛ آن‌هم عمدتاً به دلیل استفاده از مزیت مالیاتی که در این قانون وجود داشت و نیز این که این امکان وجود داشت که وقتی تجدید ارزیابی صورت می‌گیرد انتقال رقم سرمایه معاف از مالیات تلقی شود. البته باید بر این موضوع تأکید کنم که بستگی دارد کدام یک از طبقات دارایی‌های شرکت را تجدید ارزیابی کنیم. اگر زمین را تجدید ارزیابی کنیم، بله، این معافیت عینی است، اما اگر بقیه‌ی اجزا، مثل ساختمان و ماشین‌آلات، را تجدید ارزیابی کنیم به دلیل این که استهلاك سنوات آتی معافیت مالی نداشته و هزینه‌ی قابل قبول تلقی نمی‌شود، عملاً یک نوع تخفیف مالیاتی اتفاق می‌افتد نه لزوماً معافیت مالیاتی. یکی از مهم‌ترین مزایای این بحث این بود که ارزش دارایی‌های شرکت به‌روز می‌شد و نرخ سود مورد انتظار اعتباردهندگان کاهش پیدا می‌کرد. چون، در حقیقت، در این فرایند تصویر

ترازنامه‌ی شرکت به‌روزتر و تصویر واقعی‌تری از حساب‌ها به اعتباردهندگان ارائه می‌شود. از طرفی ارزش‌های پنهانی که در دارایی‌ها وجود دارد و در ارزش‌های تاریخی نهفته و مستتر نیست با استفاده از این مدل آشکار می‌شود و ترازنامه واقعی‌تر می‌شود. شرکت‌هایی که از این روش استفاده کنند امکان خروج از شمولیت ماده‌ی ۱۴۱ قانون تجارت را دارند. با توجه به این که قانون تجارت ما سرمایه‌محور است و آن چیزی را که برای محاسبه‌ی شمولیت ماده مبنای قرار می‌دهد سرمایه‌ی ثبتی شرکت است، شرکت‌هایی که به هر دلیل به‌خصوص در بحران‌های چندساله‌ی اخیر ناشی از تحریم دچار مشکل ماده‌ی ۱۴۱ شدند از این ظرفیت استفاده کردند و با افزایش سرمایه خود را از شمولیت ماده‌ی ۱۴۱ خارج کردند. البته در این زمینه انتقادات زیاد هست و برخی معتقدند این روش خارج شدن از ماده‌ی ۱۴۱ روش مفیدی نیست چون واقعاً در شرکت اتفاق خاصی نیفتاده و شرکت می‌تواند به دلیل این که عملیات واقعی‌اش به سودآوری منجر نمی‌شود در سال‌های بعد مجدداً وارد ماده‌ی ۱۴۱ شود. یا این که بسته به این که

هیئت مدیره کدام طبقه‌ی خاص از دارایی‌ها را انتخاب کند و بخواهد تجدید ارزیابی انجام دهد می‌تواند روی سود و زیان شرکت در سال‌های آتی اثرگذار باشد و حتی زیان شرکت را بیش‌تر کند. از سوی دیگر، برخی معتقدند این روش تنفسی خواهد بود برای شرکت و اگر شرکتی دچار بحران شده می‌تواند از این فضا استفاده کند و به آینده امیدوارتر باشد.

در عین حال در بحث افزایش سرمایه از محل تجدید مازاد ارزیابی یک سری چالش وجود دارد. یکی این که ممکن است طبقه‌ی خاصی از دارایی‌های شرکت تجدید ارزیابی شود و بنابراین آن قلم خاص نسبت به بقیه‌ی اجزای ترازنامه که تجدید ارزیابی نشده‌اند تصویر مناسبی را از شرکت نشان نمی‌دهد. این مورد یکی دیگر از مشکلات استانداردهای بین‌المللی حسابداری است. یکی دیگر هم بحث افزایش بهای تمام‌شده است که اشاره کردم. به عنوان مثال، اگر ماشین‌آلات تجدید ارزیابی شود به دلیل هزینه‌ی استهلاک بالاتر در سنوات آتی می‌تواند باعث افزایش بهای تمام‌شده بشود. چالش آخر هم این که کاهش سودآوری شرکت در زمان تجدید ارزیابی دارایی‌های استهلاک‌پذیر است.

در اصلاحیه‌ی جدید قانون مالیات‌های مستقیم تبصره‌ی یک از ماده‌ی ۱۴۹ به این شکل مطرح شده است: افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های اشخاص حقوقی با رعایت استانداردهای حسابداری مشمول پرداخت مالیات بر درآمد نیست و هزینه‌ی استهلاک ناشی از افزایش تجدید ارزیابی‌ها نیز هزینه‌ی قابل قبول تلقی نمی‌شود.

بر این اساس قرار بود ظرف مدت شش ماه آیین‌نامه‌ی اجرایی نوشته شود. ضمناً در جزء دوم از ماده‌ی ۲۸۲ در اصلاحیه آمده که احکام مالیاتی ماده‌ی ۱۷ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی و تقویت آنها در صادرات از ابتدای سال ۱۳۹۵ لغو شده است. بر این اساس، معافیت مالیاتی انجام افزایش سرمایه از محل تجدید مازاد ارزیابی دارایی از ابتدای سال ۱۳۹۵ لغو شده است. با توجه به این حکم قانونی در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۵

هیئت وزیران آیین‌نامه را به تصویب رساند. در این آیین‌نامه باز هم امکان تجدید ارزیابی دارایی‌ها وجود دارد ولی طبق استانداردهای حسابداری این رقم باید به عنوان یکی از اجزای حقوق صاحبان سهام تحت مازاد تجدید ارزیابی در سمت چپ ترازنامه قرار بگیرد و این امکان وجود ندارد که بتوان این رقم را به سرمایه‌ی شرکت اضافه کرد.

بعضی از شرکت‌ها در سال قبل برخی اقدامات را انجام داده بودند ولی چون می‌دانستند از ابتدای سال قانون جدید اجرایی می‌شود عملیات تجدید ارزیابی را به انتها نرساندند. بر این اساس، سازمان بورس مذاکراتی را با سازمان امور مالیاتی انجام داد که تکلیف این بخش هم روشن شود. در جوابیه‌ی سازمان مالیاتی این جمع‌بندی حاصل شده بود که اگر شرکتی عدد مربوط به تجدید ارزیابی را در حساب‌های سال ۱۳۹۴ ثبت کند، حتی اگر فرایند برگزاری مجامع به سال بعد بیفتد، امکان بهره‌برداری از این ظرفیت قانونی هنوز وجود دارد. بنابراین، اکنون، اگر شرکتی موفق شده باشد بخشی از عملیات تجدید ارزیابی دارایی‌ها را، که شامل فرایندهای انتخاب کارشناس و ثبت در حساب‌های سال مالی ۱۳۹۴ است، انجام دهد می‌تواند از این ظرفیت ماده‌ی ۱۷ قانون استفاده کند و افزایش سرمایه انجام دهد. اگر از این فرصت زمانی بگذرد امکان‌پذیر نیست.

در ارتباط با بحث IFRS توضیحاتی کلی ارائه می‌کنم. قرار است از سال ۱۳۹۵ شرکت‌هایی که به تأیید سازمان بورس برسند می‌توانند علاوه بر صورت‌های مالی، که بر اساس استانداردهای ملی تهیه شده، از این استاندارد هم استفاده کنند و صورت‌های مالی خود را ارائه دهند. یکی از اجزای مهمی که در این استاندارد مطرح شده بحث ارزش منصفانه است و این که ارزش دارایی‌ها باید به‌روز باشند اما ظرفیت قانونی فعلی قانون مالیات‌های ما جوابگو نیست. اگر از این ارزیابی مجدد سودی شناسایی شود مشمول مالیات است. برای این که از این موضوع عبور کنیم مسئله‌ای که توافق شده این است که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS فعلاً برای تلفیقی محاسبه می‌شود و شرکت‌هایی که متقاضی اند یا ملزم می‌شوند که

بر اثر این استاندارد صورت‌های مالی خود را ارائه دهند اگر در تلفیقی‌شان این ارائه‌ی مجدد را بر اساس IFRS داشته باشند آثار مالیاتی نخواهد داشت. اما مسئله‌ای که مورد نیاز خواهد بود این است که تکلیف موضوع مربوط به ارزش‌های منصفانه باید در قانون مالیات ما روشن شود. اگر بخواهیم بحث IFRS را جدی دنبال کنیم باید این اصلاحیه‌ی قانونی صورت بگیرد. برای این که به این هدف برسیم، سازمان بورس یک کمیته‌ی راهبری را با همکاری سازمان حسابرسی، سازمان امور مالیاتی و تشکل‌های حرفه‌ای برای اجرایی کردن IFRS تعیین کرده است. این کمیته‌ی راهبری سه کمیته‌ی تخصصی را به عنوان زیرمجموعه تعریف کرده که در هر کدام از کمیته‌های تخصصی هم از ظرفیت انجمن‌ها استفاده کردیم و هم از ظرفیت نفرات متخصص رشته‌ی خاص. یک کمیته عبارت است از کمیته‌ی فنی - مهندسی که در محل سازمان حسابرسی تشکیل شده و عمدتاً بحث تدوین و ترجمه و برقراری ارتباط با بنیاد IFRS و مسائلی از این دست را پی‌گیری می‌کند. در این کمیته اصلی آقای پناهی حضور دارند که بسیار فرد ویژه‌ای هستند و نگاه ایشان از سازمان امور مالیاتی بسیار ارزشمند است. کمیته‌ی دیگری با عنوان کمیته‌ی آموزش تشکیل شده که از ظرفیت انجمن‌ها حداکثر استفاده شده تا بتوانیم فرهنگ این استاندارد را جا بیندازیم. یک کمیته هم کمیته‌ی ارزش منصفانه است که شاید مهم‌ترین کمیته‌ی ما باشد، زیرا اگر بخواهیم بر اساس این استاندارد صورت‌های مالی‌مان را به‌روز کنیم باید قیمت‌هایی که استخراج می‌شود قیمت‌های واقعی باشد.

امیدواریم با همکاری همه‌ی این ارکان بتوانیم این استانداردها را ساماندهی کنیم، زیرا با توجه به روندی که در آینده شاهد خواهیم بود حتماً اگر سرمایه‌گذاران خارجی قصد ورود به کشور داشته باشند یکی از خواسته‌های‌شان این است که صورت‌های مالی بر اساس IFRS تنظیم شده باشد. همه باید خود را تجهیز کنند. سازمان بورس حاضر است همکاری بیش‌تری کند و با همکاری انجمن حسابداران خبره سمینارهای آموزش خاص در این باره برگزار کنیم. ■